

# عصر

شماره اول / ۱۳۷۹ / صفر المظفر ۱۴۲۱ / پیش شماره اول / ۵۰۰ ریال

ARSEH/May2000/NO 1

نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۹ / صفر المظفر ۱۴۲۱ / پیش شماره اول / ۵۰۰ ریال

استاد هادوی تهرانی در گفتگو با عرصه:



## مطبوعات معلولند

# علت، دنیاگرایی و رعب از غرب است. صفحه ۶

پای درس اخلاق امام



آرایش سیاسی نیروها

روزگار

سوز...



طاووس بهشتی

عضو شورای متحصنین در گفتگو با عرصه:

مجموعه دولت علیه تحسن

جریان سازی می‌کند. صفحه ۲

به قلم سردبیر

عرصه اول....

### هو العلیم

حوزه آرمانی چگونه است؟ چگونه به آن می‌توان رسید؟ آفات حوزه کدامند؟ راهبهای دفع این آفات چیست؟ آیا حوزه‌ها در نقش آفرینی خود در جامعه موفق بوده‌اند؟ و... اینها دغدغه اصلی برادران شما در «عرصه» است.

«عرصه» به حوزه آرمانی امام و رهبری می‌اندیشد. امامی که با هوشمندی و درایت تمام حوزه‌ها را پایگاه محکم اسلام می‌دانستند و با توجه به شناخت آن حضرت به عمق نفوذ روحانیت در بین مردم، پیوسته با رهنمودهای خود کج رویها را در این صنف مقدس یادآوری می‌کردند.

«عرصه» به منویات و دغدغه‌های مقام عظمای ولایت مبنی بر اصلاح حوزه و سامان دادن به دروس علمی طلاب جوان می‌اندیشد.

«عرصه» به حوزه‌ای می‌اندیشد که در عالم سیاست صاحب نظر باشد و در عین استفاده از قله سنتی، پویا و زنده و پاسخگوی مسایل روز باشد. مجتهد این حوزه آرمانی، مجتهدی است که به محیط خود احاطه کامل دارد و آشنا بودن به روش حیل و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، مطلع بودن از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناختن سیاستها و سیاسیون از ویژگیهای آن است و در نظر «حکومت فلسفه عملی تمامی فقه است...»

عرصه برای تبیین حوزه آرمانی، همیاری سربازان امام زمان (ع) را طلب می‌کند. عرصه مهبای حضور شماست، پی. یا علی...

## پرده دوم نمایش رسوایی ۷۹

صفحه ۲

اگر از همان اول، انقلابی عمل  
می‌کردیم و قلم مطبوعات فاسد را  
می‌شکستیم و تعطیل می‌کردیم،  
اینطور نمی‌شد.

امام خمینی (ره)

از یقین شهادت حضرت سیدالاستهداد  
بر تمام شیعیان حضرتش تسلیت یابد.

عضو شورای متحصنین در گفتگو با عرصه :

## مجموعه دولت علیه تحصن جریان سازی می کند

مجموعه دولت از یک طرف با سیاست سکوت و از طرفی با جریان سازی تبلیغاتی علیه تحصن با آن برخورد می کند.

حجة الاسلام محسنی عضو شورای متحصنین مسجد اعظم قم در گفتگو با بخش سیاسی «عرصه» پیرامون نتایج پی گیری خواسته های تحصن، ضمن اعلام این مطلب گفت: هنوز هیچ پاسخی از سوی رئیس جمهور و دولت در مورد طومار یازده هزار نفری طلاب و علمای قم دریافت نکرده ایم و حتی مسئول دفتر ریاست جمهوری و وزارت ارشاد با جریان سازی مداوم علیه تحصن، فضا را مسموم می کنند. وی با اشاره به اظهار نظر رئیس دفتر رئیس جمهور مبنی بر اینکه اصلاً در تحصن روحانیون حضور نداشته اند؟؟؟ از طلاب و فضایی حوزه علمیه خواست که ماجرای تحصن و پیام آنرا برای همگان تبیین کنند.

این عضو شورای متحصنین با اشاره به اینکه خواسته های متحصنین با تعطیلی چند روزنامه و حتی عزل وزیر ارشاد تأمین نمی شود، از دولت خواست که به تبیین معارف دینی و دفاع در مقابل دشمنان فرهنگ دینی بپردازد. وی از تبیه نوار تحصن، انتشار جزوه ۲۲ صفحه ای پیام تحصن، ملاقات مکرر با علما و مراجع و پی گیری موضوع طومار به ریاست جمهوری به عنوان اقدامات کنونی شورای تحصن نام برد. حجة الاسلام محسنی تأکید کرد که هنوز از نتایج ملاقات شورای تحصن با مشاورین امور روحانیت رئیس جمهور خبری نیست. وی در پایان تأکید کرد که تحصن متعلق به هیچ جریان و جناحی نمی باشد.

## پرده دوم نمایش رسوایی ۷۹

علی فتحی

چندی است که نمایش رسوایی فسادات بار مدعیان اصلاح طلبی در صحنه سیاسی کشور اجرا می شود هنوز مدت زیادی از انشای دخالت دستهای پیدای و پنهان اصلاح طلبان خشونت ستیز!! در ترور نافرجام سعید حجاریان نگذشته و همین روزها نیز بحثهای جدید از این رسوایی انشا شد. اما پرده دوم این نمایش بسیار رسواتر و ننگین تر از پرده اول آن بوده است. از مراکز مهم اصلاح طلبی افراد شاخص آنها به دعوت حزب سبزهای آلمان و بنیاد هانریش بل برای بررسی وضعیت ایران پس از انتخابات ۲۹ بهمن گذشته در برلین آلمان گرد آمدند. این مؤسسه که سالهاست علیه نظام و انقلاب موضع گیری بیابای خصمانه ای گرفته و آشکارا به محافل صهیونیستی آلمان وابسته است و جالبتر آنکه عزت الله سبحانی برای نزدیکی بیشتر با حزب سبزها، پیراهن سبز می پوشد!!؟؟

بازیگران این نمایش که مولود بزرگنمایی کاذب مطبوعاتی سه سال اخیرند، دارای سوابق سوء و خصمانه با انقلاب و اسلامند. اکبر گنجی عضو باند مهدی هاشمی معدوم و نفوذی این باند در سپاه که در پی اقدام به یک توطئه با اقدام قاطع امام از سپاه اخراج شد و چند سالی است که در سایه سفره تساهل و تسامح در مطبوعات اصلاح طلب! قلم می زند. او به عنوان عضو شورای سردبیری روزنامه فتح به دموکراسی خدمت می کرد! گنجی سال گذشته در مقاله ای موهن در صبح امروز واقع کر بلا را معلول خشونت پیامبر در جنگ بدر دانست.

حسن یوسفی اشکوری که نماینده مجلس اول، رئیس بنیاد نشر اندیشه های دکتر شریعتی و وابسته به نهضت آزادی و عضو شورای سردبیری ایران فرداست در این جلسه موهن ترین سخنان را علیه حجاب، دین، نظام و ولایت فقیه ایراد کرده عزت سبحانی مدیر مسئول مجله ایران فردا، عضو سابق

ادامه در صفحه ۸



آرایش سیاسی نیروها

پس از انقلاب ۷۹

## انقلاب و فرصت طلبی جریان نفاق

چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که جرقه حرکت های مردمی با هدایت امام خمینی شعله ور شده بود، احزاب و گروه هایی که در اثر حکومت وحشت پس از ۱۵ خرداد ۴۲، سرکوب شده بودند، با مشاهده بستر مناسب برای شروع فعالیت و جذب حمایت مردمی، سراسیمه به صحنه سیاسی کشور بازگشتند و با اطلاعیه ها و برگزاری میتینگ های پی در پی اعلام موجودیت دوباره کردند. اما تفاوتی که این حضور با فعالیت های قبلی آنها داشت، این بود که این بار آنها با حمایت از یک روحانی و مرجع تقلید سعی در وصل کردن خود به قشر مذهبی جامعه، وارد صحنه شده بودند.

جبهه ملی، نهضت آزادی، چریک های فدائی خلق، مجاهدین خلق (منافقین)، حزب توده، زحمتکشان و... که کمتر زیر چتر روحانیت می رفتند و همواره از روحانیت فاصله می گرفتند. این بار با شعار حمایت و اطاعت از امام وارد صحنه شده بودند، برخی از آنها برای کسب وجه بیشتر سعی در ملاقات با امام و گرفتن تأیید از ایشان بودند. بی شک آنها دریافت کرده بودند که انقلاب و خیزش عظیم مردمی، فاتح و پیروز صحنه است و برای دست یافتن به مراکز قدرت حکومت انقلابی و سهیم بودن در غنائیم، چاره ای جز حمایت و اطاعت اجباری از رهبری امام ندارند. حتی حزب توده که نماینده کمونیسم در ایران بود، با صدور اطلاعیه ای بر اطاعت و حمایت خود از امام تأکید کرد. این موضع سبب شد که حتی آیه الله طالقانی که یک چهره بارز مذهبی و ضد کمونیست ها محسوب می شد و از دشمنان سرسخت حزب توده بود، با لحن ملایم از حضور توده ایها در صحنه استقبال کند. اما امام با قاطعیت، هوشیاری و دقتی شگرف مهربلان بر این منافقین فرصت طلب زد، نه به آنها تأییدیه داد و نه فرصت حضور در حکومت انقلابی را. حتی در حکم نصب بازگان تأکید کرد که این انتصاب هیواد تباطلی به وابستگی حزبی وی ندارد. ادامه دارد.

# پرسشهای ما

و

## پاسخهای مقام عظمای ولایت



ناگفته‌هایی پیرامون جدیت تحصیلی \*

○ عرض سلام خدمت حضرت‌تعالی و طلب توفیق روز افزون از خداوند متعال برای شما، بسیار علاقه‌مندیم که نظر جنابعالی را در رابطه با درس و بحث و جدیت تحصیلی طلاب بدانیم؟

● ما می‌گوییم اصل در حوزه‌ها درس است. قبل از پیروزی انقلاب شایع کرده بودند که طلبه باید به مسائل جدیدی بپردازد که به درد کارهای انقلابی می‌خورد. درس دیگر چیست. در آن زمان به طلبه‌های خودم در مشهد - که با من ارتباط داشتند می‌گفتم: شما اگر بخواهید در راه مبارزه مؤثر باشید و یک عنصر کارساز و گره‌گشا به حساب بیایید، در صورتی این تحقق پیدا می‌کند که شما اسلام را بشناسید. بدون فهم قرآن و حدیث نمی‌شود اسلام را شناخت. چه کسی قرآن و حدیث را می‌فهمد آن کس که در راه فهم قرآن و حدیث - یعنی همین راه فقاقت - سالها کار کرده است. برادران! بی‌مایه فقیر است. اگر مایه درست نکرده‌اید فایده ندارد. یک مدعی شناخت دین می‌شوید اما مدعی بی‌محتوا. باید درس بخوانید.

○ رهبری معظم! شاید این مطالب قبل از پیروزی انقلاب صحیح بود اما آیا به نظر نمی‌رسد اکنون وظیفه فرق کرده؟ (خیر) کار اصلی طلبه درس خواندن است. برادرانی که آموزش می‌بینند فوری به فکره بهره‌گیری دولتی و غیر دولتی از اینها نباشند از اینجا به حقیقتی می‌رسیم که این حقیقت باید برای ما طلاب فراموش نشدنی باشد و آن اصالة الدرس است. درس اصل است.

○ سؤالی که مطرح است این است که چرا حضرت‌تعالی این مقدار بر روی درس خواندن پافشاری و اصرار می‌ورزید؟ حوزه‌های علمیه در حقیقت سازندگان فردای این جامعه و همه جوامع مسلمان هستند. به همین دلیل هست که می‌خواهند حوزه‌های علمیه را متلاشی و یا رقیق و بیکار کنند. چه فرقی می‌کند ما حوزه علمیه‌ای داشته باشیم که در آن علم نباشد یا اصلاً حوزه‌ای نداشته باشیم. ما عالم و فقیه و فیلسوف و محقق لازم داریم. شما آقایان (هیچگاه) کار علمی خود را تمام شده ندانید هر کدام از شما اگر مجتهد هم شدید باز بایستی کار کنید. طلبه جوان و روحانی باید پر کار و پر تلاش باشد و از کار خسته نشود. اندکی احساس خستگی و میل به راحت‌طلبی کار را خراب خواهد کرد. باید خستگی ناپذیر باشید. دنبال کار را بگیرید و خسته نشوید. هر کاری را که شروع می‌کنید تا نهایت آن کار بروید و احساس کسالت و ملالت نکنید. درس و بحث و تحقیق را جدی بگیرید تعطیلی‌ها را کم کنید. حجم کار را زیاد کنید و از هر فرصتی استفاده نمائید سر هم بند کتی و از سر هم باز کتی و حالا هر طور شده نباشد.

○ با این تلاش و پشتکار عظیمی که شما می‌فرمائید چند سال باید در حوزه درس خواند تا یک روحانی کارآمد شد؟

● بیست سال سی سال درس خوب بخوانید نگویید زیاد است. فهمیدن قرآن و حدیث، احتیاج به مجتهد شدن - یعنی قوه استنباط پیدا کردن - دارد. این قوه به خودی‌خود پیدا نمی‌شود به انسان الهام نمی‌گردد. زحمت کشیدن، درس خواندن و رنجها را تحمل کردن لازم دارد.

○ مطلب فوق که شاید به در ذهن هر طلبه جوانی پدید آید، از متن کتاب «حوزه و روحانیت و آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری» تهیه و استخراج شده است.

**عرصه مهمتای حضور شماست! با تماس و ارائه مقالات در این عرصه قدم بگذارید...**

«عرصه»

نشریه تحلیلی مدارس  
حوزه علمیه قم  
دو هفته نامه سیاسی،  
فرهنگی، هنری  
تهیه و تنظیم از:  
بسپح مدرسه کرماتیها  
نشانی: خیابان ۱۹ دی  
(باجک)، کویچه  
شماره ۳، پلاک ۱۰۴،  
مدرسه کرماتیها،  
تلفن: ۷۲۶۸۱۶.

## پای درس اخلاق امام

«استاد اخلاق برای خود معین نمائید. جلسه و عظم و خطابه و بند و نصیحت تشکیل دهید. خود رو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات بند و اندرز خالی باشد محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرس نیاز دارد.»

درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد لازم است. لکن علوم معنوی و اخلاقی به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خود بخود و بدون معلم حاصل می‌گردند؟ کرارا شنیده‌ام سید جلیلی \* معلم اخلاقی شیخ انصاری بوده است.

\* مرحوم سید علی شوشتری (ره) که استاد عرفای قرن اخیر بوده است.

## زلال‌تر از باران....

### \* اسرار الهی را فاش مکن

مرحوم قاضی (ره) روزی به سید هاشم خداداد فرمودند: سر را فاش مکن که گرفتار می‌شوی! روزی می‌رسد که از اطراف و اکناف بیایند و عتبه درت را ببوسند.

می‌فرمودند: من در تمام مدت عمر یکبار، آن هم در حقیقت به واسطه محذور و حیاء سرّی را فاش کردم و تا به حال که دهها سال است که از آن می‌گذرد، گرفتار آنم.

اسوه عرفان، ص ۱۰۶

### \* آینده انقلاب اسلامی

آقای بشارتی وزیر کشور اسبق نقل می‌کرد که در تابستان سال ۵۸ که مسؤول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای شریعتمداری در مشهد گفته است: «من بالاخره علیه امام اعلام جنگ می‌کنم» من خدمت امام رسیدم و خبر مذکور را گفتم. امام سرشان پائین بود و گوش می‌کرد. این جمله را که گفتم سر بلند کرد و فرمود: «اینجا چه می‌گویند، پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم. در اینجا حکومت تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم.»

پرسیدم: خودتان؟

امام سکوت کردند و جواب ندادند.

کیمیای محبت ص ۶۸

## شیواترین آوا

کاوشی در عرصه  
نهج البلاغه ۱/

### عوامل اقتدار و فروپاشی حکومت اسلامی

وآخر خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه (فیض الاسلام) دارای مضامین بلند و ژرفی بی‌امون غل و عوامل تقویت، اقتدار و نیز فروپاشی و انحطاط حکومت اسلامی عصر پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) می‌باشد. آنچه تقدیم می‌شود، نمای کلی تقسیم بندی شده کلام گهربار مولا علی(ع) در این خصوص می‌باشد.

(الف) برخی نتایج تشکیل حکومت اسلامی:

۱- کرامت و منزلت انسانی (منزلة تكريم بها اماؤکم)

۲- امنیت همه جانبه (توصل بها جيرانکم)

۳- اقتدار ملی (يعظمکم من لا فضل لکم علیه)

۴- منزلت سیاسی و امنیتی (يبابکم من لا يخاف لکم سطوة و لا لکم علیه امره)

(ب) عوامل فروپاشی و انحطاط اقتدار حکومت اسلامی:

۱- بی غیرتی و عدم تعصب و خشم مقدس دینی (و قد ترون عهود الیه منقوضه فلا تغضبون)

۲- ارتجاع به دوران ضد اسلامی و تعصب‌های ملی غلط (و اتمم لمنقض ذلكم آباءکم تأنفون)

۳- راه دادن عوامل دشمن و نفوذیها و سپردن امور دینی به آنان (فمکنتم الظلمة من منزلتکم و القیتم الیهم از منکم)

۴- پیروی از برداشت‌های دین ستیزان از دین (و اسلمتم امور الله فی ایدیهم)

۵- فرصت دادن به دشمن برای شبیه افکنی و بر مبنای شبهات آنها رفتار کردن (یعملون بالشبهات)

۶- راه دادن به دشمن برای ایجاد فساد اخلاقی در جامعه (و یسیرون فی الشبهات)

از کلام گهربار و دُرر بار مولا(ع)، چنین بر می‌آید که روحیه بی غیرتی و تساهل و تسامح در دین و تعصب به ارزشهای غلط کفرآمیز و مهمتر از همه راه دادن به نفوذی‌های دشمن و کمک به آنان و پیروی از آنان در راستای ترویج فرهنگ غلط دینی عوامل اصلی فروپاشی اقتدار حکومت عظیم اسلامی در صدر اسلام بوده است.

# روزگار سوز...

سید حمید حسینی کیا

ای جبهه! وجود من با تو عجین گشته است و گویی که گل وجودیم از خاک شلمچه و آب ارونه برده است و هر وقت که گریه می‌کنم به یاد خون سرخ شهیدان، سرخ می‌گیرم، وجودم در تلاطم کارون به سر می‌برد و قلبم مالا مال از عشق می‌ویزه است. با اینکه سالهاست از جنگ می‌گذرد یک بی سیم خاکی زنگ زده از لابلای یادواره شهیدا پیدا کرده‌ام تا شاید حاج همت، بار دیگر مرا به خط مقدم اعزام کند. و هنوز به عشق شلوار و چنیه بسیجی زندگی می‌کنم و جدا کردن آنها از من مثل این است که زندگی را از من جدا کنند پس مرا به حال خود رها کنید چرا که من اصلاً کاری ندارم که فلانی چه پوشیده چه جور می‌گردد و یا با چه ماشینی به گردش می‌رود و ... فقط به من بگویند امشب منزل شهید قاسمی زیارت عاشورا می‌خوانند به خدا پرواز می‌کنم و می‌روم. راستی شنیده‌ام مرا به بی دقتی متهم می‌کنند بکنارید بگویم که دقتم در کجاست. آری یادم نمی‌رود که شهید کارور وقتی به «ان غذا یوم فرحت...» می‌رسید چه جور از خود بی خود می‌شد و شهید شوکت آبادی وقتی به «ان هذا یوم تبرکت» می‌رسید چه حالی پیدا می‌کرد و شهید رحمتی آنگاه که به «اللهم العن اول ظالم...» می‌رسید... و البته اصلاً برایم اهمیت ندارد که آیا حرفهایم را باور می‌کنید یا نه مهم آنست که هنوز چشمه اشکم، هنگام شنیدن کلمه مبارک شهید روان است و هر گاه یاد خاکریزیهای قشنگ جبهه می‌افتم دلم روانه قتلگاه فکّه می‌شود تمام لذتم خیره شدن به دشت غمناک طلائی است به هنگام غروب.



اشک تنها یادگار زلال و بی‌ریای  
شبهای تار دو کوهه است.  
اشک بوی شهید می‌دهد،  
بوی زیارت عاشورا،  
بوی وداع، بوی گلاب...

نگاه کن در آن ضلع جنوبی بود که سید عباس هاشمی در حالی که پاهایش قطع شده بود ترکش در کنار قلبش جا گرفته بود رو به من کرد و گفت: داداش دیدی زودتر از تو رفتم. می‌خواهم بگویم سید جان! اشتباه گفתי اصلاً دیر و زود نداشت چرا که من مرکز نرفتم.

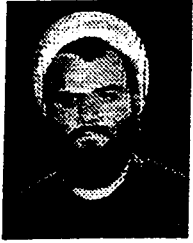
شهنا نمی‌دانم بگویم بی وفائید یا نگویم؟ آخر مگر ما با هم رفیق نبودیم، چه شبها که در بیابان ملاثیه در چند قدمی هم نماز شب می‌خواندیم و صدای ناله‌های یکدیگر را می‌شنیدیم و چه روزها که با لبخندهای باصفایمان تسلی دل یکدیگر بودیم. دل به هم خوش کرده بودیم و تشنه دینار یکدیگر بودیم از همه چیز بریده بودیم و به یک چیز پیوند خورده بودیم. و یادش بخیر آنروزها که پای نامه‌ها می‌نوشتیم «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را ننگهار!» اما نیستید که ببینید بر سر ما چه می‌آید دنیا دستهایمان را بسته است رنگ و زیور شهر چنان خودنمایی می‌کند که دیگر رنگ خاکی، بخواهی نخواهی از یاد می‌رود از این می‌ترسم که روزی رنگ اشک چشمم را هم فراموش کنم. خدا نیاورد آنروز را. چرا که این اشک تنها یادگار زلال و بی‌ریای شبهای تار دو

کوهه است. اشک بوی شهید می‌دهد. بوی زیارت عاشورا، بوی وداع، بوی گلاب، بوی حنای شب آخر، بوی شهادت و... والسلام

استاد مهدی هادوی تهرانی تاریخ تولد: ۱۳۴۰ - تهران

تحصیلات: اجتهاد در علوم حوزوی، دانشجوی ممتاز مهندسی برق و الکترونیک، مسلط بر زبانهای انگلیسی و عربی و آشنا به فرانسه و آلمانی

سوابق علمی و کاری: تدریس سطوح مختلف حوزوی، استاد دانشگاه‌های کشور، عضو شورای بررسی متون علوم انسانی و رئیس گروه فقه و عضو شورای علمی فلسفه دانشگاه شریف، مشارکت در تأسیس مراکز اسلامی در سوئیس، تایلند و هلند، قائم مقام ریاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مسؤول شورای تدوین نظام آموزشی حوزه و... آثار و تألیفات: گنجینه خرد، تحریر المقال فی کلیات علم الرجال، ولایت فقیه، مبانی کلامی اجتهاد، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، تولدی دیگر، تاریخ علم اصول، هرمنوتیک و متون دینی، الهدایة حاشیه علی البدایه، تازه‌های فقهی، ولایة الفقیه فی عصر الفیبه، تاریخ کربلا...



○ عرصه: بنام خدا، استاذ: ضمن عرض سلام و تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، همانطور که مستحضرید انقلاب ما پس از دوره ثبات و استقرار در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی در بدو پیروزی، دفاع مقدس و دوره سازندگی احتیاج به ثبات فرهنگی دارد. در دوره سازندگی کمتر به این مقوله پرداخته شده، با این توجیه که فرهنگ متولیان زیادی دارد. در چند سال اخیر که دولت با شعارهای فرهنگی وارد عرصه شد و سیاستهایی که اجرا کرد موجب بروز برخی مشکلات در امور فرهنگی شد و کسی هم عهده‌دار این معضلات نیست. نظر شما در خصوص علل و عوامل بوجود آورنده وضع کنونی فرهنگی کشور چیست؟ آیا این وضعیت معلول روند تکاملی انقلاب است یا معلول بی‌تدبیری فرهنگی؟

● استاد هادوی: بسم الله الرحمن الرحیم، وضعیت فرهنگی امروز کشور، مثل همه کشورها، بدون شک معلول پیشینه‌ها و زمینه‌هایی است که منشأ پیدایش چنین فضای فرهنگی شده است. وقتی انقلاب پیروز شد ارزشها و مفاهیمی توسط انقلاب مطرح شد که محور اصلی آنها توجه به معنویات و اجتناب از دنیازدگی بود. در واقع این اساس انقلاب و اساس همه حرکتهای انبیاست که ما را دعوت به معنویات و آخرت و دل‌نیستن به دنیا می‌کنند.

البته این به معنای عدم توجه به دنیا و عدم آبادانی دنیا نیست. انبیاء آمده‌اند تا دنیایی را آباد کنند که آخرت انسان را تأمین کند. نه آن آبادانی که به بهای خرابی آخرت باشد، مفاهیم انقلاب در دوران جنگ بروز و نمود بیشتری پیدا کرد. صحنه جنگ، صحنه ایثار و از خود گذشتگی بود و مفهوم توجه به آخرت و دل‌نیستن به دنیا در این صحنه جلوه پیدا کرد. بعد از پایان جنگ، دوران سازندگی اقتضا می‌کرد که انگیزه‌های مادی و دنیوی را در مردم تقویت کنند تا مردم برای آبادانی کشور فعالانه‌تر در صحنه حاضر شوند. ترغیب مردم به دنیا از همان آغاز باید با التفات به نکته‌ای صورت می‌گرفت که این ترغیب به معنای بی‌توجهی به امور معنوی و وظایف دینی نیست. اما ضرورت‌های آن دوران سبب کم‌توجهی به این نکته شد. توجه به دنیا چه در جهت گیریهایی تبلیغی و چه در رفتارهای کارگزاران و مدیران کشور، زمینه‌ای را برای غفلت از مفاهیم معنوی، ارزشهای اصیل انقلاب و دور شدن از شعارهای اصلی ایجاد کرد. حاصل این بستر، بروز و نمود شبیهاتی بود که از قبل از انقلاب وجود داشت اما در دوران انقلاب و جنگ مورد توجه قرار نگرفت، شبیهاتی که روشنفکران مطرح کردند. حرفهای تازه‌ای نبود و بارها در غرب گفته شده بود و روشنفکران غربگرای اسلامی بارها در کشورهای اسلامی گفته بودند. اما در دوران سازندگی این شباهت میدان بروز و ظهور یافت. اگر به تاریخچه شباهت فعلی نگاه کنید به اواخر دوران جنگ و اوایل دوران سازندگی بر می‌گردد. سال ۶۷ ما اولین ظهور این شباهت را با عنایت و التفات عمومی می‌بینیم و هر کسی که با مفاهیم معنوی آشنا نباشد و این شباهت و سؤالات برایش پیش آید قاعدتاً پاسخی برای آنها نمی‌یابد. وجود این شباهت از یکسو، گرایش دادن مردم به دنیا از سوی دیگر و دنیا زندگی برخی مسؤولین مجموعاً فضایی ایجاد کرد که وضعیت فرهنگی فعلی حاصل این مجموعه است اگر چه در وضعیت فرهنگی فعلی مطبوعات نقش بسیار مهمی دارند اما اهمیت امروزی مطبوعات بخاطر آن زمینه‌های قبلی است. و بدون این زمینه‌ها مطبوعات تأثیر گسترده‌ای نداشتند و نمی‌توانستند مسائل کوچک را بزرگ و به یک بحران ملی تبدیل کنند و چهره شخصیت‌های با سابقه را در انتظار عمومی مخدوش نمایند. در این فضا، اقبال به دنیا پیدا می‌شود که این امر ویژگی اصل تمدن غرب است. مفاهیم معنوی در غرب چهره‌ای دنیوی پیدا می‌کنند، دین غرب دینی است دنیوی نه دنیایی دینی. در غرب به همین دلیل و به خصوص در کشورهای پیشرفته غربی پروتستانیزم بسیار گسترش دارد که دنیایی‌ترین چهره مسیحیت است. کاتولیسیسم در درجه دوم است و ارتدوکس مربوط به کشورهای عقب‌انزاده غربی است. قهرآمدم دنیازده به الگویی گرایش دارند که دنیایی‌تر است و این اقبالی که مردم ما به غرب دارند در حقیقت اقبال به دنیاگرایی است و غرب به عنوان نماد دنیازدگی در معنای واقعی کلمه است. البتة غرب توانسته دنیای غربیان را برای قشر مرفه لائقل در کشورهای پیشرفته آباد کند و معنویت نیز به همان قالب دنیایی که با سکولاریسم سازگار باشد در غرب وجود دارد. اما وقتی مادر ایران که کشوری با حاکمیت اسلامی است با این بحث مواجه می‌شود به دلیل عدم قبول سکولاریسم از سوی مفاهیم اسلامی، با بحران در دیانت مواجه می‌شود که معلول این روند دنیاگرایی و بی‌اعتنایی به دین است. اما مسزول این وضعیت کیست؟ فرهنگ از کارکرد همه عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود. وقتی ما در دوره سازندگی بحث رفاه را مطرح کردیم و آن رفاه را نتوانستیم تأمین کنیم و قادر به برآوردن توقعات مردم نبودیم آنگاه مردم را به مسؤولین بدگمان کردیم.

در این فضا مطبوعات با سوء استفاده از این بدگمانی دوباره به طرح شبهات قبلی پرداختند و چون زمینه‌های فرهنگی در مردم ضعیف شده بود مطبوعات به راحتی با طرح اکانتیب و بخش شایعات به ایجاد فضای منفی بر علیه شخصیتها و مفاهیم انقلاب پرداختند. این تصویری است که می‌توان از وضع فرهنگی ترسیم کرد.

○ عرصه: استاد، می‌شود گفت که دنیا گرای (به تعبیر مقام معظم رهبری در بحث عبرت‌های عاشورا) معلول مرعوبیت برخی مسئولین در برابر غرب است؟ همانگونه که شبید آوینی در انتقاد به سیاستهای فرهنگی اواخر دهه ۶۰ به آن اشاره کرد؟

● استاد هادوی: بله به معنای، البته مرعوب شدن مرآتیی دارد. یکی همه حرفهای غرب را می‌پذیرد و دیگری با احتمال درستی حرفهای غرب به خود جرأت انتقاد نمی‌دهد. مسئولین هم در رده‌هایی مختلف فرق می‌کنند اما متأسفانه در بسیاری این حالت کم و بیش وجود دارد. البته در مورد مطلب اول هم گفتیم که غرب به دستاوردهای مثبتی هم رسیده که آن دستاوردها در مجموعه خود غرب مفهوم دارد، آن مجموعه هم با دین و ویژگیهای مجموعه ما منافات دارد و به همین دلیل ما نمی‌توانیم از همان راهی که غرب به آن رسیده بدان نتایج دست پیدا کنیم از این رو، هیچ کشوری نتوانست در عین حفظ اسلامیت خود، وضعیت رفاهی غرب را با همان فرمولها در کشور خود ایجاد کند. چون باید از دیانت خود بزند و به علت رسوخ دیانت در جان مردم با بحران هزیت روبرو می‌شوند.

در کشورهای غربی هم بحرانهایی وجود دارد که آنها برای آن راه‌حلهایی پیدا کرده‌اند که آن راه‌حلیا به همان شکلی در کشور ما قابل اجرا نیست. الان جوامع غربی با بحرانهایی از قبیل تضعیف ساختار خانواده و خشونت گرای جوانان روبرو هستند. اما این بحرانها در غرب بر اساس معیارهای فرهنگی خودشان حل می‌شود که آن راهها هم در کشورهای اسلامی کارآمد نیست.

✱ برخی مشکلات ما به خاطر تضعیف رهبری به وجود آمده

و وظیفهٔ طلاب جوان، تقویت رهبری است.

✱ به دلیل عدم قبول سکولاریسم از سوی فرهنگ اسلامی

ما با بحران در دیانت مواجه می‌شویم که معلول این

روند، دنیاگرایی و بی‌اعتنایی به دین است.

✱ ویژگی اصلی تمدن غرب، اقبال به دنیاست.

○ عرصه: به عنوان آخرین سؤال بفرمائید که رسالت و نقش حوزه و خصوصاً طلاب جوان در خصوص اصلاح وضع کنونی چیست؟ با عنایت به این نکته که حوزه به هر دلیل در عرصه فرهنگی کشور حضور کمتری دارد.

● استاد هادوی: امام در مورد رسالت فرهنگی حوزه مطلبی فرموده‌اند که به نظر من بهترین بیان برای وظیفه فرهنگی حوزه است. ایشان فرموده‌اند که حوزه‌های علمیه باید نبض فرهنگی جامعه را در دست داشته و به فرهنگ جامعه جهت دهند. یعنی حوزه‌ها باید با زمانه خود و پرسشها و دغدغه‌های عصر خود آشنا باشند و جلوتر از این نسل، باید پرسشهایی را که در آینده ممکن است پیش آید شناسایی کرده و پاسخی بیابند. مقام معظم رهبری هم در جلسه‌ای فرمودند که شما از طرح سؤال و پرسش ترسی نداشته باشید، بلکه خودتان سؤال ایجاد کنید نه اینکه در دین مردم شک و شبهه ایجاد کنید بلکه در طرح سؤالات پیشرو باشید. منفعل نباشید و این رسالت سنگینی است که بر دوش علماء، فضلا، روحانیون و طلاب جوان می‌باشد. البته طلاب جوان باید خود را برای فردایی که موقعیت سیاسی اجتماعی آنها موقعیتی بالاتر خواهد بود و به عنوان عالم حوزوی مطرح خواهند شد، آماده کنند. امروز ممکن است که توقع از طلاب جوان کمتر باشد (نه اینکه نیست) و مسؤولیت کمتری داشته باشند (نه اینکه ندارند) اما باید برنامه‌ریزی‌های ناقص حوزه را کامل کنند و از طرفی نیز وظیفه عمومی همه و خصوصاً طلاب جوان تقویت رهبری است به عنوان نهادی کنترل کننده و هدایت کننده. برخی مشکلات ما بخاطر تضعیف رهبری بوجود آمده است. طلاب جوان همچنین باید به تقویت شخصیتهای حوزوی که در راستای تقویت نظام و پاسخوری به نیازهای اجتماعی گام بر می‌دارند کمک کنند. چون این شخصیتها به تنهایی نمی‌توانند کاری کنند حتی امام (ره) با آن شخصیت بزرگ عرفانی و علمی بدون یاری مردم و شاگردان و حوزویان قادر به چنین حرکت بزرگی نبودند. خداوند انشاء الله همه ما را در تشخیص و عمل به وظیفه یاری نماید. والسلام علیکم ورحمة الله.

# طاووس بهشتی

مقداد

... و خواهی آمد، در آدینه‌ای سیاه که سرخ خواهد شد و سپس سبز و ظهور تو نوید این رجعت پاک است.

بازگشتی که نوید آن را سپید پوشان آسمان و سبز جامگان زمین داده‌اند... و تو خواهی آمد و یا سها و نیلوفرهای «سرکش» را به دعوت خواهی خواند و حضور تو نسلی دل یاسپای کیود خواهد بود. می‌آیی و خواب سیاه گلپای آهنین را بر هم خواهی زد و زنجیر بر پای شمشیرها خواهی انکند. حکومت بر کشور آینه‌ها حتمی است. آنجا که همه صاف و ساده‌اند همچون روستا نشینان ولایت عشق. دیگر گلپا حرمت را پیدا می‌کنند، غیرت آلاله‌ها تفسیر می‌شود. شقایقها میر سپید بر سینه می‌زنند و یاسها بر فراز تله عفت پرچم آزادی می‌کوبند... و تو ای پاندار دلپای بلور! بیا و دنیای دل را به بوی خوش نضرت پر کن. دلپای که همواره در سرزمین نیمه شب تو را می‌خوانند و به عشق تو در آسمان مکاشفه پرواز می‌کنند.

ای قافله سالار کاروانی زخم! ای که اشک چشم پاکت نگین مجلس شبنمهای سرخ است!

ای مستی جویبارها و ای جویبار مستی! ای که نام گمنامت پیچک زینت بخش ساق عرش خداست! عمری است که قاصدک وجودم سرگردان آسمان غریت است. عمری است که تصویر طاووس بهشتی را بر چشم می‌کشم. عمری است که با اشک، گلبرگ صورتت را بر گونه حک می‌کنم.

ای نادر! سالهاست که بر ادعاهای دروغ خود می‌گیرم... سالهاست که در تلاطم او شام خود به تصادم با صخره‌های سبکین غرور عادت کرده‌ام. سالهاست که در منجلاط اعمال خود به سکوت سنگین و معنی‌دار فرشتگان خورفته‌ام و با هیاهوی وسوسه‌های شیطان مانوس گشته‌ام و اکنون چشم بغض گرفته‌ام بارانی می‌طلبد با ابرهای بی ساحل. ای سایبان شقایقهای ناغدار! صاحب نیستانی فرمود: «اگر خود گل باشی و خوشبو، شبنم خواهد آمد و باغبان این گلشن تنها گلپای شبنم آلود را خواهد چید. اینگونه از محالستان به حالستان پر خواهی کشید».

ای باغبان! چه کم! گلی کاغذی ام در دشت سنگستان دل و به امید نسیم مسیحاتی است که زنده شوم و تو مرا ببویی. بیا! بیا! که غنچه‌ها مان پزمرده و گلپامان پرپر شده‌اند.

ادامه صفحه ۲

## پرده دوم نمایش رسوایی ۷۹

نیضت آزادی، عضو شورای انقلاب اسلامی، دولت موقت، مجلس اول و مجلس خبرگان قانون اساسی (سال ۵۸) دیگر بازیگر این نمایش مفتضح بود. وی که در مجلس خبرگان ۵۸، صریحاً ولایت نقیه را زیر سؤال برد و با آن مخالفت کرد، در سال ۶۹ به جرم اقدامات ضد انقلابی بازداشت شد و اعتراضات تکان دهنده‌ای در خصوص وابستگی نیضت آزادی به آمریکا بیان کرد که در مجموعه تلویزیونی و کتاب «هویت» منتشر شد. جلاشی پور مدیر مسؤول روزنامه جامعه و رئیس شورای سیاستگذاری روزنامه‌های زنجیره‌ای توس، نشاط و عصر آزادگان نیز به دلیل اقدام علیه امنیت ملی دستگیر شده بود. علوی تبار از شورای سردبیری صبح امروز و دارای وابستگی فکری به حزب کارگزاران، مهرانگیز کار همسر یکی از عمال فاسد رژیم پهلوی که هم اکنون در نشریات فمینیستی قلم می‌زند، از دیگر سخنرانان این کنفرانس بودند.

از همه تنگین‌تر حضور خانم جلیه کدیور (نماینده تهران در مجلس ششم، همسر مهاجرانی و عضو کارگزاران) و علی افشاری (عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم و از عوامل فاجعه کوی دانشگاه) به عنوان نمایندگان جناحهای انقلابی در این کنفرانس بود. اکنون این سؤال مطرح است که نمایش رسوایی مدعیان اصلاحات ادامه خواهد یافت؟ بی شک خواست همگان ادامه این رسوایی است.

### پیش شماره دوم (عرصه) بزودی منتشر می‌شود

- ✓ گفتگوی صریح و صمیمی (عرصه) با برادر مهدی نصیری مدیر مسوول نشریه صبح و مدیر مسوول سابق روزنامه کیهان
- در خصوص علل معضلات فرهنگی و راهکارها، نقش حوزه، تحلیل بر سیاستهای فرهنگی و ...
- ✓ چرا فقط دفاع؟
- ✓ سلسله مقالات استاد محمد دشتی در خصوص نهج البلاغه
- ✓ و مطالب خواندنی دیگر ...

عرصه هر دو هفته یکبار منتشر می‌شود.